

لیست مسائل مورد نظر

بسم الله الرحمن الرحيم

در جلسه دوم قرار شد لیست بحث هایی که قرار است مطرح کنیم، بیاوریم.

بیان لیست در واقع نقشه ی راه است که بسیار ضروری است.

مسائلی را برشمردیم و مواردی هم ماند. هر کدام از این مسائل گاهی ده ها فرع داخلش هست.

مسأله ی هفتم بحث مسئولیت زنان است. این مسأله شده استخوان لای زخم. به نظرم باید یک بحث درس خارجی در مورد این مسأله بشود. اگر موافقت کردیم تا کجا؟ آیا رهبری را هم می پذیریم؟ قضاوت و رئیس جمهوری چی؟ و اگر مخالفت کردیم تا کجا؟ آیا دلیل مخالفت این است که الرجال قوامون على النساء؟ اگر این باشد ما معتقدیم که هر نوع ریاستی یک نوع قوامیت دارد و دیگر هیچ زنی نباید در هیچ کجا رئیس باشد حتی نباید رئیس یک مدرسه هم بشود؟

بحث هشتم: در کشوری مثل کشور ما رابطه ی فتوا با قانون چیست؟ جالب این است که گاهی فتوای رهبری با قانون مخالف است؛ یا خود جایگاه مرجعیت، آیا صرفا مرشد هستند یا باید برای آن ها جایگاه قانونی که لزوم متابعت هم بیاورد قائل شویم؟

بحث نهم: حکم حکومتی یا حکم حکومی به چه معناست؟ با فتوای اجتماعی چه فرقی دارد؟ حدود حکم حکومی چیست، حدود فتوای اجتماعی چیست؟ حکم حکومی آن جایی است که حاکم به عنوان حاکم حکم کند نه اینکه حکم الهی را بیان کند و در حکم حکومی نمی توانیم نسبت به خدا داد بر خلاف فتوای اجتماعی.

یک بحث مهمی که در اینجا داریم بحث منطقة الفراغ که تعبیر آقای مرحوم صدر است یا منطقة العفو که در برخی از روایات آمده یا ما لا نص فیه که تعبیر مرحوم آقای نائینی است. آیا ما چیزی به نام منطقة الفراغ داریم یا به همه ی حوزه های تشریع شارع ورود کرده و حکم دارد؟

بحث دهم: مرزهای ملی است. برخی چیزها برای ما شده هنجار مثل مرزها این ها ملی است شرعی که نیست چون در شرع بلاد اسلام و بلاد کفر داریم آیا می شود این مرزها را قبول کرد، در شریعت جایگاهی دارد یا نه؟ و حاکمیت نسبت به خارج از این مرزها چقدر مسئولیت دارد؟ دار الاسلام و دار الکفر یعنی چه و رابطه اش با مرزهای ملی چیست؟

بحث یازدهم: مرتبط با منابع مالی حکومت اسلامی است. انفال، صدقات، خراج، سهمین، مالیات، رابطه ی این ها چیست؟ آیا همه در عرض هم هستند؟

بحث دوازدهم: حدود مسئولیت بیت المال. در اینجا چند بحث مطرح است:

یکی اینکه بیت المال در مقابل آسیب هایی که شهروندان می بینند چقدر مسئولیت دارد؟ در مقابل تخلفاتی که عن قصور هست آیا بیت المال مسئولیت دارد؟ دولت یک باره تصرف می کند در قیمت ارز، آیا مسئولیت دارد حکومت، بیت المال، حاکمیت؟ یا این جور موارد قاعده ی احسان جاری می شود؟ این بحث مسئولیت بیت المال قدری ادبیات دارد. اما یک بحث دیگری که هست این است که آیا مسئولیت بیت المال می رود تحت ضمان مثلا اگر گفتیم دولت مسئولیت دارد یعنی ضامن است و لذا اگر گفتیم ضمان، الزامات خودش را هم دارد، یا نه ضمان با الزامات شرعی خاص مطرح نیست بلکه ماهیتش جبران خسارت شهروندان است که تابع مصلحت است؟

اگر گفتیم ماهیت ضمان دولت همان ضمانی است که در حقوق خصوصی مطرح می شود دیگر نمی تواند به یک قشری بدهد و به یک قشری ندهد مثلا کسانی که وضعشان خوب است یا حقوق فلان دارند ندهد و به کسانی که وضع خوبی ندارند و حقوقشان کم است بدهد اما اگر گفتیم ماهیت ضمان دولت ضمان مطرح در حقوق خصوصی نیست بلکه جبران خسارت شهروندان است در این جا رعایت برخی مصالح می شود و می تواند به برخی بدهد و به برخی ندهد.

بحث سیزدهم: بحث تألیف قلوب است. المؤلفه قلوبهم یک نهادی است در فقه ما. به تعبیر فارسی همزیستی مسالمت آمیز بلکه بالاتر از همزیستی است یک نوع تعامل مبتنی بر جذب. از آن طرف هم

اصل برائت داریم ما نمی توانیم با هر کسی و به هر شکلی ارتباط برقرار کنیم و یک خط قرمزهایی وجود دارد اصل تألیف قلوب با اصل برائت چطور جمع می شود؟ اگر ناهمسوئی پیدا شد کدام مقدم است؟ کدام حاکم است، کدام محکوم است؟

بحث چهاردهم: رابطه ی حاکم و قانون و نهادهای حکومت چیست؟ آیا ما نهادی داریم فراقانون یا هرچه که هست باید مطابق با قانون عمل کند؟

بحث پانزدهم: رابطه ی قانون کشور ما با قانون سائر کشورها چیست؟ بحث نفی سبیل چگونه است؟ اصول روابط خارجی (و داخلی)

بحث شانزدهم: ...

از فهرست تمام شدیم و باید برویم سراغ مسأله ی اوّل

طرح بحث: مسأله ی اول این است که آیا در عصر غیبت امام ع تشکیل حکومت (دولت به معنای دولت مدرن یعنی دولت هایی که در شئون مختلف مردم دخالت می کنند، از نظر حوزه ی دخالتشان گسترده است و از جهت سرزمین هم گسترده یا نیمه گسترده باشد)، مشروع است؟ دو مرحله باید طی کنیم: یکی مرحله ی اصل جواز و بعد هم ادله ی مانعه که می گویند هر پرچمی، علّمی قبل از قیام قائم برافراشته شد طاغوت است.

یکی بحث اصل مشروعیت است یعنی جواز و یکی وجوب؛ وجوب هم به دو نحو قابل تصور است: واجب مشروط که اگر مقدمات آماده بود باید تشکیل داد و یکی به نحو واجب مطلق که باید مقدماتش را هم فراهم کرد.